



2015/10/18



جليل غنى

## تاملی بر نشرات بیرون مرزی و آزادی بیان

درین ایامی که افغانستان با یک بحران عمیق ناشی از بی امنیتی، تشدید تخریب کاری ها و ویران گری های وحشت بار مخالفین و تجاوز بر حریم خانواده ها و غارت و چپاول دارایی ها و مجبور ساختن ساکنین محلات به فرار از خانه و کاشانه شان مواجه است و هر روز شاهد قتل و قتل مردم بیگناه، مخصوصاً امسال در مناطق شمالی افغانستان، هستیم و روزی نیست که تعدادی از زنان و کودکان و بی گناهان دیگر شامل پیر و جوان قربانی نگردند، وظیفه ای هر افغان وطن دوست مخصوصاً مورخین، قشر آگاه و تحصیل کرده است در روشنگری اذهان عامه سهم شایسته و بایسته را انجام داده و حقایق را بدون تحریف و حب و بغض به نسلهای موجود و آینده ای افغانستان باز گو نماید.

بر رسی وقایع گذشته و آموختن از اشتباهات در تاریخ هر کشور رهنمای ملت ها برای جلو گیری از تکرار اشتباهات گذشتگان و پیشرفت بسوی یک آینده بهتر با در نظر داشت تجارب و ارزیابی های کار کرد های گذشتگان است. زحماتی که درین راستا تحلیل گران و تحقیق کنندگان میکشند بی نهایت قابل قدر است مخصوصاً اگر چنین تحقیقات و تتبعات جنبه نقد داشته باشد تا نسل های کنونی و آیندگان از آن پند بگیرند و بیاموزند. ولی پیچیدن به چگونگی نوع رژیم ها و نظام های که نه دیگر در افغانستان وجود دارد و نه هم امکان احیای چنان نظام های مثل امیر نشینی ها و پادشاهی های مطلقه و نظام های مطلق العنان متصور است، در چنین مرحله ای از اولویت بر خور دار نخواهد بود. چنین نظام ها و شخصیت ها نه تنها جزء تاریخ هستند بلکه از سالیان دراز به این سو مورد ارزیابی و تدقیق قرار گرفته اند و تاریخ قضاوت خود را در باره آنها کرده است و نیازی به تکرار کار نامه های آنها احساس نمی شود. این بدان معنی نیست که تاریخ گذشتگان دیگر از اهمیت افتاده است و نباید به آن توجه نمود. بر عکس همین تاریخ ملتها و گذشته آنهاست که آینده این ملت ها را میسازد. نویسنده نا آگاه از گذشته و فرهنگ و بدور از ارزشهای عقیدتی و عنعنوی و رسم و رواجهای جامعه اش اثر بی بجای خواهد گذاشت. تحلیل و بر رسی وضع کنونی افغانستان، که شدیداً به آن نیاز احساس میشود، در وضع کنونی افغانستان ارجحیت خواهد داشت چنانچه دیده میشود، مخصوصاً در هفته های اخیر بعد از سقوط قندوز و جنایاتی که طالب درانجا مرتکب شد، بر زوایای مختلف این حادثه المناک از طرف نویسندگان رسالتمند روشنی انداخته شده است. اینها آثاری است که در نوشتن تاریخ فردای افغانستان نقشی عمده خواهد داشت و بر مبنای همین گزارشات مستند تاریخ واقعی این ملت نگاشته خواهد شد.

از جانب دیگر برخی تلویزیونها، پورتالها و ویب سایت ها بجای نشر مقالاتی بمنظور بر رسی اوضاع و روشنگری های لازم جامعه امروزی و بر رسی نارسائی ها و علل آن و رهنمائی جامعه برای بیرون رفتن از بحرانی که هر روز قربانی میگردد و گلم ماتم این ملت بلا کشیده را دوام میدهد به پردازند، مقالاتی را نشر میکنند که بعضی از نویسندگان به اصطلاح به جان همدیگر افتاده اند و بعضاً با استعمال الفاظ و کلمات و عبارات مستهجن و دور از عفت کلام و احترام به انسان ولو اشتباه کننده هم بوده باشد، یا به منظور انتقام گیری های ناشی از تعصبات قومی و نژادی و مذهبی و سمتی و یا هم با عناد های شخصی و قومی، و یا هم با اختلاف عقیده با محتوای مقالات حتی تا سرحد ابتذال و رد و بدل دشنام نامه ها سقوط میکنند و با تاسف این تلویزیونها، پورتالها و ویب سایت ها هم بدون در نظر داشت پالیسی های نشراتی و اهدافی که اعلان کرده اند، چنین دشنام نامه ها را بدون کم و کاست و ویرایش نشر میکنند، برای اینکه به زعم خود شان مقالات را سانسور نکرده باشند. سانسور و تفتیش عقاید چیزی و دشنام و بی حرمتی و تجاوز به حقوق دیگران چیز دیگر نیست. هر نشریه در هر نقطه از جهان پالیسی نشراتی از خود دارد و خودش باید خود را مکلف به تطبیق این پالیسی نماید و هر نشریه که مخالف اصول نشراتی این نشریه میباشد یا از نشر آن خود داری نماید و یا هم بعد از اصلاح آنرا نشر نماید. و صرف با اعلان این جمله که «مسئولیت محتوای این برنامه بدوش مجری بر نامه است» آنها را برائت نمی دهد. نویسندگان

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

نیز باید قناعت داشته باشند تا چنین اصولی را که یقیناً گردانندگان هر نشریه و نهاد نشراتی با در نظر داشت اصول آزادی بیان و عقیده وضع نموده، رعایت نمایند. انتقاد سالم و ابراز نظر متفاوت در محدوده عفت کلام و احترام به آزادی عقیده و بیان، بدون تجاوز و هتک حرمت، یکی از اصول پسندیده آزادی بیان است که زمینه رشد و انکشاف فکری و بروز حقایق را در موضوعات مورد بحث فراهم میسازد که به هیچ وجه نباید قیوداتی نا موجه و تنگ نظرانه و بر مبنای ذهن گرائی و تعصبات از هر نوع بر آن وضع گردد ولی باید تکرار نمود که ابراز نظر ها به معنی خصومت و دشمنی و عناد نیست بلکه روشنی انداختن و ابراز نظر متفاوت در جهت تثبیت حقایق موضوع مورد بحث است که در هر جامعه باز و دموکراتیک چه منکشف و چه در حال انکشاف یکی از مزایای این نظام است.

در ژورنالیزم و نویسندگی، خطابه ها و نشرات، چه تصویری و چه رادیو، همواره توجه بر شناخت مخاطب و یا شنونده و بیننده است که کی ها هستند و به چه تعداد به چنین برنامه و یا نشرات علاقه میگیرند. عدم شناخت از مخاطبین و یا به اصطلاح انگلیسی آن Audience موجب آن میگردد که برنامه و یا نوشته و مطالب نشر شده نا کام و نا شنیده و نا خوانده بماند و درین صورت جز ضیاع وقت نویسنده و تهیه کننده و هم چنان از مخاطب و شنونده و بیننده چیز دیگری نیست. مثلاً اگر همین حالا از هر طفل و جوان و پیر، چه زن و چه مرد افغان، در هر کجائی از جهان که زندگی میکند پرسیده شود که برایش مطالب امروزی در افغانستان اهمیت دارد و به آن علاقه میگیرد یا مثلاً به کار نامه های دوره امیر شیر علی خان؟ بی درنگ جواب خواهد داد که بحرانی که امروز افغانستان به آن مواجه است. مصیبتی که در چند ماه اخیر و خاصاً چند هفته اخیر در شمال افغانستان وارد شده و طالب و داعش و هر دهشت افکن و خونخوار و آدم کش دیگری از حد اقل ده کشور به شمال افغانستان انتقال داده شده اند تا اهداف و منافع قدرت های خورد و بزرگ منطقه و جهان را با کشتن و بستن و نسل کشی و دهشت افروزی و هراس افکنی برآورده سازند، ایجاب میکند تا هر قلم بدست با دردی تا جائیکه مقدر است چنین اوضاعی را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و در راه ایجاد تفاهم و همبستگی و اتحاد بین اقوام و نژاد ها و مذاهب مختلف ملت افغانستان، که یگانه راه مبارزه با چنین مصائب است و در تاریخ خود این ملت با شهادت به اثبات رسانیده که هر گونه دسیسه و توطئه دشمنان داخلی و خارجی را با اتحاد و همبستگی خنثی ساخته است، به پردازد و در بیداری و اندیشه دادن مثبت و تزریق اندیشه های ملی بکوشد.

با این تذکر مختصر بر می گردم به اصل موضوع که آزادی بیان است و این آزادی بی حصر و حد نیست و از خود اصول و مقرراتی دارد که هر نشریه چه صوتی و چه تصویری و چه چاپی به رعایت این اصول مکلف میگردد.

آزادی بیان یکی از حقوق انفکاک ناپذیر و یک رکن اساسی حقوق انسانی شناخته شده است. سوابق حق آزادی بیان و عقیده به قرون هفده و هجده میلادی بر میگردد و برای نخستین بار مفهوم آزادی بیان که با آزادی عقیده مترادف تذکر داده می شود، در لایحه ای حقوق مدنی انگلستان در سال 1689 در سند آزادی بیان در پارلمان، و در سند حقوق مدنی شهر وندان و باشندگان در جریان انقلاب فرانسه در سال 1789 مسجل شد. این اعلامیه آزادی بیان و عقیده را در ماده یازدهم چنین قید میکند:

«مفاهمه و مکالمه آزاد مفکوره ها و نظریات یکی از با ارزش ترین حقوق انسان است. هر شهروند می تواند بر مبنای آن آزادانه سخن بزند، بنویسد، و چاپ نماید ولی باید مسؤول سوء استفاده از این آزادی طوریکه در قانون تعریف میگردد، باشد»

ماده نهم اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال 1948 در مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید حق آزادی بیان و عقیده را چنین تضمین میکند:

«هر کس حق ابراز آزادانه نظریات و عقاید را بدون مداخله دارد، و بنا برآن هر کس حق آزادی بیان را دارد این حق تحریری و یا چاپی، بشکل آرت (هنر) و یا از طریق هر رسانه دیگری می باشد. تمیل این حقوق مستلزم وجایب و مسؤولیت های خاص است و بنا برآن در مواقع ضرورت معروض به برخی محدودیت ها برای احترام به اعتبار حقوق دیگران و یا حفاظت امنیت ملی و یا نظم عامه و یا صحت عامه و یا روحیه عامه خواهد بود»

وقتی به این تعریف ها دقیق شویم می بینیم که آزادی بیان هم مثل همه آزادی های دیگر محدودیت ها و قوانین و مقرراتی دارد که هر فرد جامعه را، در هر موقعیت و یا مقامی که قرار دارد، مکلف به احترام به این قوانین میسازد و مطابق به عرف و مقررات و قوانین و فرهنگ هر جامعه و منافع ملی و مصالح علیای هر کشور این محدودیت ها هم فرق میکند.

د پانوی شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې دلېکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

با انکشاف تکنولوژی و دسترسی به وسایل نشراتی همگانی مخصوصاً انترنت، ویب سایت ها و دستگاه های نشراتی تلویزیونی و رادیویی فرصت نادری به دسترس همه اهل قلم و آگاه افغان مخصوصاً ژورنالیستان با رسالت قرار گرفته تا با استفاده معقول و مسئولانه از این وسایل وجیبه ملی و تاریخی خود را ایفا نمایند.

در عصر حاضر خاصاً در جوامع پیشرفته چه در غرب و چه در شرق و در هر نقطه ای از جهان احترام به حقوق انسانی و بشری افراد یکی از وجایب و مکلفیت های هر دولت، هر نهاد و هر انسان است ولی آزادی های فردی و اجتماعی در هر جامعه مطابق به قوانین هر کشور با پیروی از اصل احترام به حقوق حقه و مشروع افراد همان جامعه و مبتنی بر قوانینی که با در نظر داشت ارزشهای عقیدتی، فرهنگی، عنعنوی و اجتماعی همان جامعه وضع گردیده، باید رعایت گردد. این یکی از اصول اساسی یک جامعه مترقی در جهت تثبیت حقوق فردی بمنظور تامین عدالت اجتماعی است.

مواردی که محدودیت ها بر آزادی بیان وضع می گردد:

تشهیر، (بد گوئی، تهمت و افترا) تهمت زدن، به دروغ نسبت دادن خیانت به کسی؛  
بیانات تهدید آمیز علیه اشخاص

دروغ گفتن در محکمه و بی احترامی به محکمه

بیانات نفرت انگیز بر مبنای نژاد، مذهب و یا ترجیحات جنسی

تخلف از حق طبع و نشر آثار علمی و هنری (کاپی رایت) علایم تجارتي و افشای اسرار تجارتي

افشای اسرار دولت و یا اطلاعات محرمانه

دروغی که باعث سراسیمگی مردم گردد؛

«جنگ لفظی» که برهم زدن صلح و آرامش را تحریک کند

بیانات فتنه جویانه، خائنانه و تشویق دهشت افگنی

آلودگی صدا

کفر گوئی و توهین به مقدسات، ارتداد و الحاد، کوشش برای تغییر دادن عقیده یک شخص

توزیع تبلیغات مذهبی در جایکه مجاز نیست

وقاحت و بی حرمتی به مقدسات و انتشار صور قبیحه

سخنرانی بدون اجازه در بعضی جای ها

بیانات نژاد پرستانه

نشر اطلاعات انتقاد از ملیت کسی در انتر نیت

ژورنالیستها با گذشت زمان نه (9) اصل عمده و اساسی را انکشاف دادند که این وجیبه و وظیفه را بر آورده میسازد. این اصول مرکب از آنچه که ممکن است بحیث «تئوری و نظر ژورنالیزم» توضیح شود، میباشد.

این ها اصولی است که به معیار ارزشهای عقیدتی و فرهنگی و قوانین جامعه غرب پیروی میشود جامعه که پیشتاز آزادی بیان و عقیده و مدافع این حق در جهان است ولی درعین حال این حقوق حدودی هم دارد و لجام گسیخته نیست.

در سال 1979 سازمانی بنام «پروژه برتری در ژورنالیزم» که یک کمیته مرکب از ژورنالیستهای نگران این مسلک است یک مفاهمه و نظرپرسی ملی را در بین باشندگان و دست اندرکاران نشرات براه انداختند تا اصولی را تشخیص و روشن سازند که زیر بنای ژورنالیزم خوانده شده است. بعد از چهار سال تحقیق و تدقیق بشمول دایر کردن بیست مجمع همگانی برای ابراز نظر ها در ایالت متحده، قرائتی از تاریخ ژورنالیزم، سروی ملی از ژورنالیستها و یک سلسله اقدامات مرتبط دیگر، این گروه سندی را زیر نام «بیانیه اهداف مشترک» انتشار داد که نه (9) اصل را تشخیص میدارد. این نه (9) اصل، اساسی را برای کتابی تشکیل داد تحت عموام «ارکان ژور نالیزم» که امر این پروژه برتری در ژورنالیزم، «تام روزنفل»، و رئیس کمیته ژورنالیستهای نگران و مشاور عالیرتبه پروژه برتری در ژورنالیزم، بل کواچ، تالیف نمودند. این بیانیه مختصرولی بسیارپر محتواست که در سه پارا گراف کوتاه نگاشته شده متن این بیانیه:

« پس از بر رسی گسترده توسط ژورنالیستان در باره خصوصیت و نوعیت ژورنالیزم در پایان قرن بیستم، ما این تفاهم مشترک را، که کارما را تعریف میکند، پیشنهاد میکنیم. هدف اصلی ژورنالیزم تهیه اطلاعات درست و قابل اعتبار و مؤثق به مردمی است که در فعالیتها و کار های شان در یک جامعه آزاد نیاز دارند. این هدف در بر گیرنده هزاران نقشی است که در تعریف جامعه، ایجاد زبان مشترک و دانش مشترک کمک میکند، اهداف یک

د پانوی شمیره: له 3 تر4

افغان جرمن آنالین په درننبت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

جامعه، قهرمانان و شرارت پیشگان را مشخص میسازد و مردم را به فراتر رفتن از حالت از خود راضی بودن تشویق میکند. این هدف همچنان شامل سائر مکلفیت ها نیز میگردد مثل سرگرم نمودن دیگران، ناظر بودن اوضاع و صدای بی صدا ها بودن»

گذشته از آن در جهان غرب هر گاهی که موضوع منافع ملی و یا افتخارات ملی مورد بحث قرار میگیرد، گرداننده یا گوینده هر برنامه توقف میکند و از هر گونه اظهاراتی که منافی این اصول باشد جلو گیری می نماید. شکی نیست که هر کس حق ابراز نظر را در موضوعات مختلف دارد و در عین حال مسؤول گفتار خود است ولی اصل توازن و داشتن نظر متفاوت برای متوازن ساختن صحبت و ارائه نظریات موافق و مخالف یکی از موضوعات اساسی هر گزارش، مصاحبه، تحقیق و ارائه معلومات در هر کار ژورنالیستی و یا تحقیق و نویسندگی است. وقتی کسی پای صحبت یک گرداننده و یا مصاحبه کننده ای یکی از رسانه می نشیند و یا قلم را بر میدارد و «هر چه دل تنگش میخواهد» میگوید و می نویسد، اینجاست که نقش یک ژورنالیست، گرداننده و مسئول نشریه رسالتمند و آگاه و نویسنده بیطرف و میرا از ذهن گرانی و تعصبات و تعلقات، مطرح میگردد.

درین مرحله که افغانستان در یک بحران عمیق همه جانبه قرار دارد، نه رهبر سیاسی وجود دارد که از منافع ملی افغانستان صمیمانه و صادقانه دفاع نماید و نه هم حکومتی که نه تنها جواب تبلیغات و تخریبات دشمنان داخلی و خارجی را بدهد بلکه از جان و مال و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی دفاع نماید و زمینه یک زندگی آرام و عاری از ترس و بیم را برای مردمی که هر روز قربانی مداخلات بی شرمانه پاکستان میگردند فراهم نماید، نقش نویسندگان، تحلیل گران، گردانندگان وسایط نشرات همگانی و روشنفکران برارنده تر و مسئولانه تر است.

دشمنان سوگند خورده افغانستان از هیچ وسیله و ابزاری برای تخریب هویت ملی، افتخارات ملی، منافع ملی، وحدت ملی، توأمیت ملی، تاریخ و فرهنگ افغانی دریغ نمی کنند و از هر موقعیتی و فرصتی برای وارد کردن ضربه دیگری بر پیکر به خون خفته این سرزمین مرد خیز و با افتخار و این ملت آزادی دوست و با شهامت روگردان نیستند ولی این وظیفه هر افغان وطن دوست است که در چنین شرایط و اوضاعی تمام تعلقات قومی، نژادی، سمتی، منطوقی، زبانی و گروهی و تنظیمی خود را کنار بگذارد و به حیث یک افغان از منافع ملی و افتخارات خود دفاع کند و دیگر نگذارد هر کس و ناکسی هر توهینی که بخواهد بر این ملت و افتخارات آن به نماید.

پایان

---

د پانوی شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ